

۲۸ مرداد

تجربه اندوزی یا ذکر مصیبت؟

امیر طیرانی

مَا أَكْثَرَ الْعَبْرَ وَأَقَلَّ الْأَعْتَابَ

روزهای پایانی مرداد ماه بار دیگر یاد و خاطره آن مرداد سیاه را در خاطره‌ها زنده می‌کند. امسال شصت و چهار سال از آن مرداد که در پایان آن آمال و آرزوهای یک ملت دستخوش بازیچه استعمار و عوامل داخلی آن شد می‌گذرد. و ما همچون همیشه و هر سال و مانند دیگر تجربه‌های تاریخی خود دُکری از آن می‌کنیم و دیگر هیچ.

درباره کودتای ۲۸ مرداد نیز روش و شیوه ما همین است. و در این روش مخالفان و موافقان چندان با یکدیگر تفاوتی ندارند. دلخوش کردن به ارائه سند و نامه علیه دکتر مصدق و یا دیگران و گذشتن از ماهیت ماجرا، و محکوم کردن مصدق یا کاشانی و از یاد بردن آمران و عاملان اصلی و دنیاهای داخلی آنها موجب شده است که آنها که کودتا کردند حتی امروز بعد از بیش از شش ده نیز خود را در اقدام علیه ایران، ملت ایران و منافع ملی ما کامیاب ببینند.

یکی از آفت‌هایی که به ویژه در سال‌های اخیر به آن دچار شده‌ایم غفلت از اصل ماجرا و پرداختن به حواشی آن است. این برخورد را به ویژه در جریان انتشار یک فیلم مستند کوتاه جعلی و انتشار تعدادی از اسناد «سیاه» شاهد بودیم. بعد از پخش آن فیلم یا انتشار آن اسناد بلافاصله تلاش برای پیدا کردن سند و مدرک و شاهد برای کوبیدن آن جناح آغاز شد. اتفاقاً آنها که در این اوقات تلاش برای پرداختن حواشی را آغاز می‌کنند کمتر به موضوع اصلی می‌پردازند.

بررسی علل و عوامل کودتای ۲۸ مرداد و پاسخ به دلایل آن رویداد که به دستگیری گسترده عده زیادی از آزادیخواهان و نیروهای ملی و دلسوز و به دنبال آن اعدام و تیرباران عده دیگر منتهی شد و به غارت منابع ایران تحت انعقاد قرارداد کنسرسیوم نفت انجامید، بیش از یافتن مقصران اهمیت دارد.

یکی از مهم‌ترین پی آمدهای شوم کودتا جدای از نتایج سیاسی آن، انعقاد قرارداد کنسرسیوم بود. بر اساس آن قرارداد استعماری منحوس عملاً با زیر پا گذاشتن قانون ملی شدن نفت، اختیار کشف و استخراج و فروش نفت کشور به بهانه‌های واهی از جمله ناتوانی متخصصان ایرانی برای حل مساله نفت، کمبود سرمایه یا ضعف تکنولوژیک و... را به کنسرسیومی مرکب از غول‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی سپردند. برای همین بود که هر سال رژیم شاه به مناسبت سالگرد کودتا، که آن را قیام ملی نام نهاده بود جشن و سرور دولتی برپا می‌کرد و خیابان‌ها را چراغانی می‌کرد.

از سوی دیگر برای پرده‌پوشی بر خیانتی که علیه ملت ایران مرتکب شده بودند با همه مخالفان کودتا و در راس آنها رهبر نهضت ملی را با بدترین و نادرست‌ترین اتهامات متهم کردند.

یکی از مهم‌ترین ایرادات و انتقاداتی که به سیاست‌های دکتر مصدق وارد شده است عبارت است از انعطاف‌ناپذیری دکتر مصدق در قبال پیشنهادهایی که درباره حل مساله نفت ارائه می‌شد. اعتقاد این عده این است که اگر دکتر مصدق پیشنهادهای آمریکایی‌ها را درباره حل مساله نفت پذیرفته بود کار به کودتا نمی‌کشید و دولت ملی سرنگون نمی‌شد.

اما این که انعطاف نا پذیری مصدق چه اندازه در خنثی شدن کودتا می‌توانست نقش داشته باشد جای تامل دارد. دکتر موحّد در خواب آشفته نفت به دقت مذاکرات نفت میان دکتر مصدق و شرکت نفت، دولت بریتانیا و آمریکایی‌ها را مورد کنکاش و بررسی قرار داده است. از مطالعه دقیق مطالب ارائه شده در این کتاب می‌توان دریافت که اتفاقاً آن که انعطاف‌ناپذیر بود شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا بود که در روند مذاکرات به ویژه تا قبل از روی کار آمدن آیزنهاور در آمریکا موجب خشم و ناخرسندی مقامات آمریکایی را نیز سبب شده بود. در این نوشته به چند مورد در این رابطه اشاره می‌کنیم.

دکتر مصدق در ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ نامه‌ای به سفارت انگلستان در تهران ارسال کرد. دقت در لحن و محتوای نامه دکتر مصدق می‌تواند ما را در نحوه برخورد دکتر مصدق با مساله مورد اختلاف یاری رساند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «لااقل وجهی که تعلق آن به دولت ایران مورد تصدیق خود شرکت سابق است و تا کنون پرداخت نشده است فوراً تادیه گردد. و همچنین وجوه دیگری که متعلق به دولت شاهنشاهی است و در بانک‌های انگلستان تودیع گردیده تحت اختیار دولت شاهنشاهی قرار گیرد. مخصوصاً برای حفظ مناسبات و روابط حسنه و رفع هرگونه سوء تفاهم بین دو ملت شرکت سابق از این به بعد از اقدامات ناروا در جلوگیری از فروش نفت ایران خودداری کند. دولت شاهنشاهی با حسن نیت که در موارد عدیده به ثبوت رسانیده اینک نیز اعلام می‌دارد که به منظور پیدا کردن راه حل برای رسیدگی به مطالبات و دعاوی حقه شرکت سابق و دعاوی متقابل دولت ایران حاضر است با نمایندگان شرکت سابق وارد مذاکره شود.» (اطلاعات ۱۸ مرداد ۱۳۳۱)

در نقطه مقابل این برخورد قانونی و مسالمت جویانه برخورد آنتونی ایدن وزیر خارجه بریتانیا قرار دارد که در همان روز انتشار نامه دکتر مصدق، طی نامه‌ای به وزیر خارجه آمریکا پیش از پرداختن

به پیشنهاد دکتر مصدق به موضوع سرنگونی و کودتای علیه مصدق پرداخته و در پایان نامه و به قول دکتر موحّد: «پس از این تمهیدات و رسم پراکنی‌ها به اشکال تراشی در خصوص فرمول پیشنهادشده از سوی آمریکا می‌پردازد و برگه‌های ناگشوده گره‌های ناگشودنی

دیگری می‌اندازد» (موحد ۱۳۷۸، ۵۸۹)

دین آچسن وزیر خارجه آمریکا در باره پیشنهادهای ایدن چنین پاسخ می‌دهد: «آچسن در ۱۳ اوت (۲۲ مرداد) پاسخ پیام ایدن را فرستاد و گفت به نظر او نه مصدق و نه هیچ کس دیگری که به جای او بیاید نخواهد توانست پیشنهادهای ایدن را بپذیرد.» (موحد، پیشین، ص ۵۹۰)

همچنین می‌توان به نامه مورخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۱ چرچیل نخست وزیر بریتانیا به ترومن رئیس جمهور آمریکا اشاره کرد که در آن به جای آن که راهی برای حل مساله ارائه دهد با لحنی طلبکارانه به گذشته‌ها اشاره کرده است. به نوشته موحّد: «در این پیام نخست وی از سفر آلتون جونز [فرستاده آمریکا به ایران برای میانجیگری] به ایران و دیدار او با مصدق اظهار ناراحتی کرد و گفت: چنین به نظر می‌رسد پس از آن همه مخاطراتی که ما بریتانیایی‌ها در جنگ کره به جان خریدیم حالا شرکت‌های آمریکایی می‌خواهند جای ما را در ایران بگیرند.

اگر جنگی در بگردد بریتانیا نخستین آماج حملات اتمی روسیه خواهد بود.» (موحد پیشین، ۵۹۲)

حال باید قضاوت کرد که آیا این رویکرد رویکرد انعطاف‌ناپذیر بود و یا رویکرد ایدن، چرچیل و عناصر MIF که متحد خود را از خطر کمونیسم و حمله اتمی به وحشت می‌اندازد و از همان ابتدای امر به دنبال سرنگونی بوده است.

اما بحث دیگر که ثابت می‌کند در شکست مذاکرات میان ایران و بریتانیا، کمترین قصور متوجه دکتر مصدق و طرف ایرانی بوده است به برنامه‌ریزی انگلیسی‌ها برای جلوگیری از روی کار آمدن و سپس سرنگونی مصدق بازمی‌گردد.

دولت بریتانیا پیش از آغاز گفت و گو میان مقامات شرکت سابق و نمایندگان خود با دولت ایران و قبل از آنکه به قول خودشان با سرسختی و انعطاف‌ناپذیری مصدق مواجه شوند به مقابله باوی برخاسته بودند. به نوشته گازیروفسکی: «انگلیسی‌ها حتی پیش از این که مصدق از سوی مجلس نامزد نخست وزیری شود بر شاه فشار آوردند که سید ضیاء را به نخست وزیری برگزیند. این فشار بعد از این که مصدق به نخست وزیری رسید افزایش یافت و طرح‌هایی به مرحله اجرا درآمد که مصدق را برکنار کند.» (گازیروفسکی، ۱۳۷۱، ۱۶۰).

طراحی برای کودتا در کنار تمهیدات دیگر همچون بلوکه کردن پول‌های ایران در بانک‌های انگلیس، جلوگیری از فروش نفت ایران، تهدید خریداران نفت به تحریم و برخورد با آنها، تهدید نظامی و... از همان ابتدا شروع شد. در خرداد ۱۳۳۰ یعنی یک ماه بعد از نخست وزیری مصدق، سفارت بریتانیا در تهران، خانم لمبتون عنصر قدیمی و با تجربه خود را برای گفت و گو درباره راه‌های مقابله با مصدق و نهضت ملی فراخواند. لمبتون وابسته مطبوعاتی سفارت بریتانیا در تهران در دوران جنگ جهانی دوم و عضو MIF برای راه‌اندازی و اداره فعالیت علیه مصدق، رابرت زینر از عناصر اطلاعاتی و مجرب را پیشنهاد کرد. از نظر لمبتون، زینر مرد ایده آل برای اجرای برنامه‌های مورد نظر دولت و سفارت بریتانیا در تهران بود. به گزارش برتو: «میس لمبتون احساس می‌کند بدون مبارزه‌ای بر اساس خطوط فوق‌الذکر امکان ندارد بتوان محیط مساعدی را برای تغییر رژیم در تهران بوجود آورد.» (جیمز بیل و راجر لویس، ۱۳۶۸، ۳۷۳) زینر در یکی از نامه نگاری‌های خود به MIF ادعا کرد که برادران رشیدیان موجب ایجاد تنش‌های پدید آمده میان مصدق و برجستگان جبهه ملی یعنی کاشانی و حسین مکی در اوایل ۱۹۵۲ بوده‌اند.» (گازیروفسکی، همان، ۱۶۲)

استراتژی بریتانیا برای سرنگونی دکتر مصدق شقوق چند گانه‌ای داشت. تبلیغات از راه‌های گوناگون در باره ناکارآمدی دولت، تبلیغ پیرامون خطر کمونیسم و این که دولت دکتر مصدق ایران را سرانجام به دامان کمونیسم خواهد افکند، تحریم اقتصادی به منظور بالا رفتن نارضایتی عمومی و روی برگرداندن مردم از مصدق، ملی شدن نفت و مبارزه با استعمار و... جنبه‌های مختلف این فعالیت‌ها بود.

بله به این عبارت دکتر مصدق مردی انعطاف‌ناپذیر یا به تعبیر مخالفانش یک دنده، لجوج، خودخواه و... بود ولی مصدق هیچگاه منافع کشورش و مردم سرزمینش را به بیگانه نفروخت. او به قیمت اینکه در پیرانه سری سه سال را در زندان و یا ده سال را در تبعید بگذراند آن قدر پایمردی داشت تا استوار بر سر پیمان خود با مردم بایستد و نه کاسه گدایی در مقابل بیگانه دراز کند و نه سر در برابر عمال فرمایشی در بیدارگاه‌های نظامی شاه خم کند. او هنگامی که بعد از سی تیر بار دیگر به نخست‌وزیری بازگشت چون کاملاً به اهداف بریتانیا و آمریکا آگاه شده بود ضمن ادامه مذاکره برای حل مساله نفت، به جای آن که تمام امید خود را به لطف دشمنان خود معطوف کند، به جای آن که به کمک‌های ده میلیون دلاری استعمار دل ببندد، برنامه دو مده‌ای دولت اول خود را به برنامه‌ای ۹ شاده‌ای برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور تقاضا تباری همیشه در تاریخ این مرز و بوم باقی بماند که: چشم داشتن به بیگانه برای حل مشکلات جز سراب هیچ نخواهد بود.